

صفات و ویژگی های مشاور در اسلام

<?xml encoding="UTF-8">

ارزش و اهمیت والای اصل مشورت و مشاوره از دیدگاه اسلام، اهمیت ویژگیهای شورای مشاوره و مشاورین را در اسلام آشکار می سازد، مشاور در حقیقت رکن اصلی نیل به حقائق و واقعیات و جلوگیری از خطا و اشتباه و تثبیت محور حرکت انسانها به سوی نیازمندی های فردی و اجتماعی و معنوی به شمار می رود. حال باید دید مشاور در اسلام چه کسی باید باشد؟ و چه صفات و ویژگیهایی را باید داشته باشد؟ مشاور از دیدگاه اسلام هر انسان عاقل و بصیر و آگاهی است که دیدگاه اسلامی داشته، با تقوا و خیراندیش بوده، دارای کمالات نفسانی و خالی از فساد اخلاق و مبرا از انحرافات فکری و عقلی و عملی باشد پس مشاوره در اسلام دارای حدود و مقرراتی بوده، مبتنی بر اصول و معیارهایی می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«المشورة لا تكون الا بحدودها فمن عرفها بحدودها والا كانت مضرتها على المستشير اكثر من منفعتها».

مشورت باید با حدود و مقررات و به شرائط خاص خودش انجام پذیرد و کسی که این حدود را بشناسد مشورت او منتهی به خیر می شود و کسی که حدود و شرائط مشورت مفید را نداند، زیان آن بر مشورت کننده بیشتر از منفعت آن می باشد. (1)

مطابق این کبرای کلی مشاور متصف به یک سلسله از صفات بوده و یک سلسله از صفات را نیز باید نداشته باشد. صفاتی که مشاور از دیدگاه اسلام باید آن ها را داشته باشد به قرار زیر است:

1 - مشاور باید عاقل و صاحب رای و نظر باشد

زیرا طبیعی است انسانی که اطلاعات لازم و خبرگی کافی در مورد مشورت نداشته باشد، مشورت با او نه تنها مفید نیست، بلکه ممکن است راهنمایی های ناشیانه او باعث انحراف بوده، زیان و ضرر به دنبال خود داشته باشد.

امام باقرعلیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل می کند که از او از معنای حزم و احتیاط سؤال کردند در پاسخ آن فرمود: «مشاورة ذو الرأی و اتباعهم» یعنی: حزم و احتیاط در امور همان مشاوره با انسان های عاقل صاحب رای و نظر می باشد. (2)

این نوع از مشورت دارای منافع کثیر و حداقل موجب پشیمانی و ندامت مشورت کننده نمی شود. ابی جارود از امام باقرعلیه السلام نقل می کند که فرمود: در کتاب تورات چهار جمله وارد شده است از جمله آنها این است: «من لا يستشير يندم» (3) کسی که با صاحب فکر و نظر در امور خود مشورت نکند، پشیمان و نادم می گردد. و همواره در مخاطرات و گرفتاریها واقع می شود.

و در روایت دیگری چنین نقل شده است: «خاطر بنفسه من استغنی برایه». (4) کسی که بدون مشورت به رای خود عمل کند و خود را بی نیاز از مشورت با صاحب نظران بداند، در انجام امور خود را به مخاطره انداخته است. و در روایات و احادیث وارده از ائمه علیهم السلام انسان عاقل به عنوان «قرین مرشد» تعبیر آورده شده است چنانکه مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«...من لم یکن له قرین مرشد متمکن عدوه من عقبه». کسی که برای او دوست نزدیک ارشاد کننده افکار او نداشته باشد چه بسا دشمن او از پشت سر او قدرت حمله بر او را داشته باشد.

طبعاً «قرین مرشد» انسان عاقل دارای ورع و تقوا می باشد زیرا راهنمای باطنی ارشاد کننده به نام عقل را همراه خود دارد و این راهنما او را به خیر امر می کند و او را از بدیها و زشتیها باز می دارد.

سلیمان بن خالد می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«استشر العاقل من الرجال الورع فانه لا یامر الا بالخير و ایاک و الخلاف فان مخالفة الورع العاقل مفسدة فی الدین والدنیا». (5)

با مردان عاقل و با تقوا مشورت کن زیرا او جز به خیر دستور نمی دهد و مواظبت داشته باشد و از مخالفت با رای مشاور عاقل و با تقوی بپرهیز زیرا این کار باعث فساد در دین و دنیای انسان می گردد.

بدیهی است مشاور عاقل و باتقوا در مقام مشورت در موارد لازم و مقتضی، مشورت کننده را پند و اندرز می دهد و او را از انجام زشتیها و فسادها باز می دارد و او را به انجام نیکی ها و خوبیها راهنمایی می کند یعنی مشاور عاقل و باتقوا ناصح خوبی بوده و همین امر باعث رشد فکر مشورت کننده و باعث توفیق بیشتر او میگردد.

منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام و او نیز از پیامبر گرامی اسلام صلی الل.ه علیه وآله چنین نقل می کند: «مشاورة العاقل الناصح رشد و یمن و توفیق من الله فاذا اشار عليك الناصح العاقل و ایاک و الخلاف فان فی ذلک العطب». (6)

مشاوره با انسان های عاقل نصیحت کننده (ناصح) حداقل سه فایده مهم دارد:

الف - باعث رشد فکر مشورت کننده می باشد.

ب - باعث برکت در انجام کار می باشد.

ج - سبب پیدایش توفیقات الهی می باشد.

پس هنگامی که ناصح عاقل برای انجام کاری تو را دعوت کرد، حتماً از انجام آن کار مخالفت ننما زیرا مخالفت موجب سختی و رنج و مشقت مشورت کننده می شود.

و در برخی از روایات وارد است که عمل به دستور شخص عاقل ناصح دارای دین و تقوا باعث این می شود که خداوند کار او را به خیر می انجامد و او را از خذلان و خواری نجات می دهد، بلکه مقام و منزلت او را نزد خدا بالا می برد. (7)

در غرر و درر آمدی از علی علیه السلام نقل شده است: «خیر ما مشاورت ذو النهی والعلم واولو التجارب الحزم»: بهترین مورد مشورت، مشورت با صاحبان عقل و علم و تجربه و دارای حزم و احتیاط می باشد. (8)

شیخ طوسی در امالی خود از ابوهریره از رسول خدا صلی الل.ه علیه وآله نقل می کند: «استشردوا العاقل ولا تعصبوه فتندبوا»: با انسان های عاقل در امور خود مشورت کنید و بدینطریق رشد کار خود را طلب کنید و بعد از مشورت با نتیجه این مشورت مخالفت ننمائید و گرنه پشیمان و نادم می شوید. (9)

حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که مشورت مفید و جامع، مشورت با کسانی است که چهار صفت را

داشته باشند از جمله این صفات: «فاولها ان يكون الذی تشاوره عاقلا» یعنی اولین شرط لازم در مشاور این است که عاقل باشد.

جالب این است که امام معصوم به دنبال بیان اولین صفت لازم در مشاور، علت آن را این گونه بیان می کند: «فانه اذا كان عاقلا انتفعت بمشورته» هنگامی که مشاوران عاقل باشند، مشورت او مفید و ثمربخش واقع می شود.

2 - مشاور دارای خشیت و خوف الهی باشد

دومین ویژگی شخص مشاور و شورای مشاوره این است که خوف الهی و خشیت پروردگار در دل و جان آنان جای داده شده باشد زیرا قطعا چنین کسانی قابل اعتماد و اطمینان هستند، اینان هستند که فکر خیانت به برادر دینی خود را در دل هرگز جای نمی دهند و در نتیجه مشورت با آنان اطمینان بخش بوده، برای مشورت کننده امنیت خاطر قابل اعتماد ایجاد می کند.

امام صادق علیه السلام ضمن بیاناتی به معاویة بن وهب چنین فرمود:

«... واستشر فی امورک الذین یخشون ربهم» (10) با انسانهای دارای خوف و خشیت الهی مشورت کن. اینها انسانهای امین بوده فکر خیانت و افشاء سر برادر مؤمن را نزد دیگری در دل خود هرگز جای نمی دهند.

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «شاور فی حدیثک الذین تخافون الله» (11) در امور خود با مشاورین دارای خوف الهی مشورت کن.

وهمین حالت خوف و خشیت الهی معیار امین بودن انسانهای مشاور محسوب می شود چنانکه در ضمن همان روایت بالا از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «الامین الذی یخشی الله» (12)

3 - مشاور باید انسان حر و انسانهای آزادمنش بوده، تحت تاثیر برخی از عوامل ضعیف کننده و مضر قرار نگیرد

چنانکه حلبی از امام صادق علیه السلام دومین شرط لازم در شخص مشاور را چنین بیان می کند: «والثانية ان يكون حرا متدينا» شرط دوم لازم در مشاور این است که او آزادمنش بوده متدین باشد و سر و راز اینکه مشاور باید چنین صفت و ویژگی را داشته باشد این است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «اذا كان حرا متدينا اجهد نفسه فی النصيحة لك» (13) : هنگامی که مشاور انسان آزادمنش بوده متدین باشد، تمام هم و سعی خویش را در بهتر انجام دادن نصیحت و مشورت خویش به کار می برد. (14)

4 - مشاور باید انسان درستکار و صدیق بوده، اصول برادری را کاملا بداند و آن را در مقام عمل مراعات نماید

حلبی از امام صادق علیه السلام درباره این ویژگی چنین نقل می کند: «والثالثة ان یکن صدیقا مواخیا»: سومین شرط لازم در مشاور این است که انسان باصفا بوده، واقعا صدیق مشورت کننده باشد و اصول برادری را درباره او

5 - اثر این صفت لازم بالا در مشاور این است که سر و راز مشورت کننده را کاملا حفظ کند تا منافع او در مقابل دشمنانش به خطر نیفتد

چنانکه امام صادق علیه السلام چنین فرمود: «اذا كان صديقا مواخيا كنتم سرک اذا اطلعتہ علی سرک فان عملہ به کعلمک به تمت المشورة و کملت النصيحة»: هنگامی که مشاور انسان صدیق بوده، اصول برادری را با مشورت کننده مراعات نماید طبعاً سر و راز مشورت کننده را هنگام اطلاع از آن مخفی نگاه می دارد و نزد دیگری آن را فاش و آشکار نمی سازد زیرا علم مشاور به راز مشورت کننده مثل علم خود مشورت کننده پس از خویش می باشد (یعنی مشاور با احراز مقام مشورت به منزله خود مشورت کننده امین بوده، راز او را نزد دیگری آشکار نمی سازد).

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری همان صفات و ویژگیهای لازم در مشاور را به عبارت دیگری بیان فرمود و نکته دیگری نیز ضمن آن بیان می فرماید و آن روایت چنین است:

شاوړ فی امورک مما یقتضی الذین فیه خمس خصال: عقل و علم و تجربه و نصیحة و تقوی فان لم تجد فاستعمل الخمسة و اعظم و توکل فان ذلک یؤدیک الی الصواب.

در امور خود در مواردی که دین و مذهب آن را اقتضا می کند، مشورت کن با کسانی که دارای پنج صفت هستند: دارای عقل و علم و تجربه و تقوی بوده، ناصح می باشند و اگر چنین افراد دارای این ویژگیها را نیافتی سعی کن در پیدا کردن آنها و این عمل سعی را بزرگ بشمار و بعد از سعی و مشورت توکل بر خدا بکن که قطعاً توکل تو به خدا منتهی به عمل نیک و شایسته می گردد. (15)

تذکر این نکته در این جا لازم است که لزوم مشورت با مشاورین عاقل و عالم و با تجربه و با تقوی منحصر به امور مربوط به دین نیست، بلکه حکم لزوم مشورت، در امور مربوط به دنیا نیز جریان دارد چنانکه مرحوم نوری در مستدرک الوسائل، ج 2، ص 65 از مصباح الشریعة روایتی از امام صادق علیه السلام نظیر روایت بالا را نقل می کند و در ذیل آن از امام صادق علیه السلام چنین نقل می نماید: «... وما كان من امور الدنيا التي هي غير عائدة الى الدين فامضيها و لاتتفكر فيها» یعنی در امور مربوط به دنیا نیز مشورت با مشاورین عاقل و عالم و متقی و باتجربه لازم است و این ویژگیها را در مقام مشاوره مراعات کن.

جالب این است که امام معصوم علیه السلام علت این حکم را این گونه بیان می کند: «فانک اذا فعلت ذلک اصبت بركة العیش و حلاوة الطاعة و فی المشاورة اکتساب العلم والعاقل من یستفید منها علما جدیداً»: هنگامی که تو با مشاورین عاقل و عالم و باتقوی در امور مربوط به دنیا مشورت کردی قطعاً به برکات زندگی و شیرینی اطاعت الهی پی میبری و در مشورت با چنین کسانی علم جدید برای شما حاصل می شود و از علم مشاور عاقل عالم استفاده میبری.

و مثل مشورت با انسانهای عاقل و عالم مثل تفکر در علم خلقت و آفرینش آسمانها و زمین است و انسان هر اندازه در عجائب و ظرائف آفرینش آنها تلاش کند، در دریای نور معرفت الهی غرق می شود و یقین و اعتقاد او نیز زیادتر می شود.

آری تنها شرط مشورت با چنین افرادی این است که تو عقل و علم و کمال و تقوای مشاور را برای انجام مشورت با او مناسب بدانی و آن را مورد تایید قرار دهی و در غیر این صورت مشورت با او فایده و سودی برای مشورت کننده دربر ندارد. گرچه مشاور به عقل و ورع میان مردم شهرت داشته باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لا تشاور من لا یصدق عقلک و ان کان مشهوراً بالعقل و الورع و اذا شاورت من یصدق قلبک فلا تخالفه فیما یشیر به علیک». (16)

با کسانی که تو عقل و علم او را برای مشورت با او مناسب نمی دانی مشورت مکن گرچه آن فرد به عقل و ورع مشهور باشد زیرا هنگامی که تو با کسانی که آنان را برای مشورت صالح می دانی بعد از مشورت، با او مخالفت نمی کنی و مورد مشورت را عمل می نمائی (واین ویژگی در مورد کسانی که معتقد به صلاحیت علمی و عقلی برای مشورت نمی دانی وجود ندارد و چه بسا با آنها به مخالفت بر می خیزی).

پی نوشت ها :

- (1) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (2) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (3) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (4) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (5) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (6) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (7) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (8) مستدرک الوسائل، ج 2، ص 65.
- (9) مستدرک الوسائل، ج 2، ص 65.
- (10) وسائل الشیعة، ج 2، ص 208.
- (11) وسائل الشیعة، ج 2، ص 208.
- (12) وسائل الشیعة، ج 2، ص 208.
- (13) وسائل الشیعة، ج 2، ص 207.
- (14) مدرک قبل.
- (15) اثنی عشریه، ص 210.
- (16) مستدرک الوسائل، ج 2، ص 65.